

بررسی کتاب مخ المعانی تألیف امیر حسن سجزی

اقرا سلیم

دانشجوی دوره دکتری فارسی، دانشکده خاورشناسی دانشگاه پنجاب، لاهور.

چکیده:

امیر حسن علا سجزی دهلوی معروف به خواجه حسن دهلوی (۱۳۲۷/م ۷۳۸. ۱۲۵۴/م ۶۵۲هـ) شاعر برجسته و نثر نویس معروف فارسی است و به نام "سعدی هندوستان" شناخته می شود. وی دوست بسیار نزدیکی امیر خسرو (۱۳۲۵/م ۷۲۵. ۱۲۵۳/م ۶۵۱هـ) و مرید خواجه نظام الدین اولیاء (۱۳۳۵/م ۷۲۵. ۱۲۳۸/م ۶۳۶هـ ق) است. دیوان وی به شبه قاره و ایران به چاپ رسیده است و مقالاتی نیز درباره هنر و اندیشه وی نوشته شده است. تألیف معروف وی در نثر فارسی به عنوان فوائد الفواد مهم است که گفتارهای خواجه نظام الدین اولیاء را در بر دارد. فوائد الفوائد چندین بار در شبه قاره و ایران

به چاپ رسیده است. چهار اردو و دو ترجمه انگلیسی آن هم چاپ شده است. روش نگارش حسن سجری در مرثیه نثری که به شهادت فرزند سلطان بلبن ، خان شهید نوشته بود- "فوائد الفوائد" بزرگ ترین شناخت ادیبانه وی است که درباره محتوا و سبک آن کارهایی مهم انجام شده است.

"مخ المعانی" رساله زیبا و جامع وی در شرح نکات عشق (ع ، ش و ق) سومین شیوه نویسندگی وی است که در آن جوهر تخلیقی وی به عنوان نثر نویس بسیار آشکار است. "فوائد الفوائد" را ما شاهکار نثری او نمی توان بگوئیم که وی در آن بیشتر همان تراکیب و واژگان را به کار برده است که مرشد وی ارشاد نموده اند.

"مخ المعانی" (کتاب عشق) در شبه قاره بر موضوع عشق شاید در اولین کتاب ها به شمار می آید و نمونه خوب نثر مستقل حسن دهلوی است. ترجمه اردوی آن پروفیسور ایس. ایم لطیف الله کرده است که در سال ۲۰۰۰م به کوشش فضل سبز، کراچی چاپ شده است. بررسی دقیق و معقول شناختی آن تاهنور انجام نشده است و اهمیت و سودمندی این مطالعه تحلیلی مسلم است. مقایسه با منابع دیگر مخ المعانی (کتاب عشق) روشن مهمی برای ارزیابی نثر آن است.

واژه های کلیدی: مخ المعانی، عشق، کتاب عشق، حسن سجری دهلوی ، سعدی هندوستان، عشق مجازی و حقیقی.

امیر نجم الدین حسن (۱۳۳۷م / ۷۳۸هـ. ۱۲۵۴م / ۶۵۲هـ) معروف به سعدی هندوستان فرزند علاء الدین سجزی دهلوی، عارف و شاعر فارسی گوی شبه قاره است. دوست امیر خسرو دهلوی (۱۳۲۵م / ۷۲۵هـ. ۱۲۵۳م / ۶۵۱هـ) بعد از وی امیر بزرگ ترین شاعر فارسی گوی شبه قاره قرن هفتم و هشتم هجری و قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی است. غیاث الدین بلبن (۱۲۸۷م / ۶۶۶هـ. ۱۲۱۶م / ۵۹۵هـ) بود. پنج سال در مولتان در دربار محمد قآن (۶۸۳ق) و کشته شدن محمد قآن همراه امیر خسرو زندانی شد و دو سال در اسارت گذارند و حسن مقاله ای دررثای محمد قآن نوشت که گویا نخستین مرثیه منثور در تاریخ ادبیات فارسی در شبه قاره به شمار است. افزون بر محمد قآن وی بیشتر قصاید خود در مدح علاء الدین محمد شاه خلجی (۱۳۱۶ / ۷۱۶ق. ۱۲۶۶م / ۶۹۵ق) سروده است. در پنجاه و شش سالگی به عرفان گرایید و به خواجه نظام الدین اولیاء (۱۳۲۵م / ۷۲۵هـ. ۱۲۳۸م / ۶۳۶هـ) دست ارادت داد. شهرت وی بیشتر در غزل سرایی است، برای این به لقب "سعدی هندوستان" معروف است. دیوان حسن سجزی بیش از نه هزار بیت از قصاید، غزلیات، ترجیعات، ترکیبات، رباعیات و مثنویات دارد. از نوآوری های وی سرودن مدیحه در قالب مثنوی کوتاه در اوزان گوناگون است. کلیات وی به نام کلیات سجزی دهلوی (۱۳۵۲ق) در حیدر آباد دکن به چاپ رسیده است و پس از آن در ایران هم چاپ شده، از مثنوی های معروف وی "عشق نامه" است. در سال (۷۰۰ق) مشتمل بر (۶۰۶) بیت و موضوع آن داستان عشق جوانی هند به یکی از دختران هم کیش خود است. این جوان پس از مرگ معشوق خود را هم راه جسد دختر می سوزاند. حسن این داستان را که میان مردمان معروف شده به نظم کشیده است. از دیگر آثار وی فوائد الفوائد (۱۳۷۷

ش) ملفوظات خواجه نظام الدین اولیاء است که مهم ترین اثر او در نثر محسوب می شود و چندین بار به اردو و دو بار به انگلیسی ترجمه شده است. فوائد الفوائد نثر مستقل حسن دهلوی نیست و در پیروی آن امیر خسرو افضل الفوائد هم نوشته است. مشتمل بر ۵ بخش و ۱۸۸ مجلس است. حسن دهلوی از شاعران برجسته و با قریحه فارسی است. دیوان وی از شبه قاره و ایران چاپ شده است. چندین مقاله خوب درباره هنر و اندیشه وی وی هم نوشته شده اند. سخن وی ساده و روان و دارای مضامین دقیق است. وی در سروده های خویش، از دیگر سخنوران پیش از خود پیروی کرده و چکامه هایی همانند آنان ساخته است. وی در تمام دوره زندگی خود تنها زیست.^{۱۰}

مخ المعانی (کتاب عشق) تألیف امیر حسن علامجری (۱۳۳۷ / ۱۳۳۸ هـ. ۱۲۵۴ م / ۱۳۵۲ هـ) یکی از نخستین کتاب هایی است که در شبه قاره پیرامون موضوع عشق نوشته شده است و نثر طبع زاد نویسنده است. ترجمه اردوی آن پروفیسور ایس. ایم لطیف الله کرده است که در سال (۲۰۰۰ م) به حمایت فضل سنز، کراچی، پاکستان به چاپ رسیده است. مخ المعانی مجموعه نثر زیبا و مسجع و آراسته از آیات، احادیث، اقوال، ایات و واژگان و تراکیب عربی است. این کلام که با حمد باری تعالی شروع می شود و به همان حمد و ثنای و منقبت پیامبر به پایان می رسد، در آن سعدی هند شرح حرف کلمه عین، شین، قاف را به شیوه عارفانه و عاشقانه توضیح می دهد و با آرامش خاطر سه حرف واژه عشق را بیان می کند. علاوه بر این، شرح برخی وقایع و جزئیات نیز به زیبایی این نثر می افزاید که در آن داستان عشق آدم صفی در چشم جمال (ص، ۲۵) داستان حضرت داؤد علیه السلام (ص، ۴۹) داستان عشق حضرت اویس قرنی (ص، ۵۵) داستان حضرت

خضر و سکندر بادشاه (ص، ۶۱) نزول وحی بر حضرت موسی (ص، ۶۷) تبلیغ، معجزه ها، ذکر حضرت خضر (ص، ۶۰)

ذکر حکایت های تنهایی ذکر طاؤوس ملائکه حضرت جبریل و بیان ملاقات با حضرت محمد ﷺ (ص، ۱۰۰) به شیوه بسیار بیان می کند. سلاست و روانی، سادگی کلام، آهنگ دلنشین، فصاحت و بلاغت و معنا دار بودن کلام در حقیقت زیبایی نثر مخ المعانی است که در آن بی باکانه نکات عشق را بیان می کنند، به نظر می رسد ترکیب ظریف، شریفی زبان او را شرح می دهند. نثر مسجع و مقفی او در جاهایی یاد آورد نثر خواجه عبدالله انصاری (۱۰۸۸م/ ۴۸۱هـ ق. ۱۰۰۶م/ ۳۹۶هـ ق) و شیخ سعدی شیرازی (۱۲۹۱/ ۶۹۱هـ. ۱۲۰۱م/ ۶۰۶هـ) است. مانند:

* مریدی که در عشق چُست نیست، گویی ارادت او درست نیست (ص، ۵۰)

* چشم که به سرمه عشق مکحل باشد، از فرش تا عرش بیند. (ص، ۵۴)

* میوه محبت جز در آفتاب عشق پخته نمی شود. (ص، ۶۸)

* به يك دل در غمی گنجد غم جان و غم جانان (ص، ۷۶)

* ماهی و پروانه هر دو عاشق اند، ماهی بر آب عاشق و پروانه بر آتش (ص، ۱۷۸)

* دردی که از حرمان است چون از دوست می رسد، به از صد هزار در مان است. (ص، ۸۸)

نثر مخ المعانی عاری از کلمات پیچیده و مبهم است، او علاوه بر آرایه های لفظی و معنوی از ضرب المثل های معروف نیز استفاده می کند تا بتوان وزن تاثیر را در گفتار ایجاد کرد و استدلال را به سوی معارف واقعی هدایت کرد. فی المثل:

* خواجه من ده بار تراگفتم، تونشیدی (ص، ۵۴)

* عشق و مشک پنهان نماد (ص، ۹۲)

در آن کتاب از چند تا پادشاه نامی یاد می شود که میان آنها سلطان محمود غزنوی (۱۰۳۰، ۹۷۶) و غلامش ایاز (۴۴۹، ۳۷۳ هـ) سرآمد آنهاست. ذکر اسکندر مقدونی (۳۲۳، ۳۵۶ ق م) نیز در این کتاب به چشم می خورد، شرح تخصصی وقایع نه تنها پادشاهان، بلکه صوفیان معروف نیز براهیت عرفانی و افاده ادبی نثر می افزاید. نوشتن نثر زیبا و خوب در قدرت هرکس نیست. نثریابی نثر حسن سجزی (۱۳۳۷ م / ۷۳۸ هـ. م ۱۲۵۴ م / ۶۵۲ هـ) بر شعرش غلبه دارد. در کتاب علاوه بر خواجه نظام الدین اولیاء (۱۳۳۵ م / ۷۲۵ هـ. ۱۲۳۸ م / ۶۳۶ هـ ق) (ص ۱۱۴)، شیخ ابوسعید ابوالخیر (۱۰۴۹ / ۲۴۰ هـ ق. ۹۶۷ م / ۳۵۷ هـ ق) (ص ۸۴) حسین بن منصور حلاج (۹۲۲ م / ۳۰۱ هـ. ۸۵۸ م / ۲۳۷ هـ ق) (ص ۶۲) روایت داستان هایی است که دل و ذهن را در حالت انبساطی فرو می برد. و چند ستاره معروف از جمله موقعیت رفیع ستاره زحل، عطارد (دیر فلک) و شرح درک مشتری (ص، ۸۲) شامل نثر است. يك نکته خاص که بیان آن بی جا نخواهد بود، شرح داستان های عاشقانه معروف و محبوب است که در آن اشاره به داستان عشق لیلی و مجنون (ص، ۸۷)، یوسف و زلیخا (ص، ۹۱) و داستان عاشقانه شیرین و فرهاد (ص، ۶۱) قابل ذکر است. شرح سماع و ذکر تاثیر آن نیز مرقع نثر خوش اسلوب است. مؤلف در تایید موضع خود از آیات قرآن مجید بهره برده است که عبارت اند از:

* اولك كالانعام بل هم اضل (ص، ۵۸)

* في مقعد صدق عند عليك مقتدر (ص، ۶۵)

* كل يعمل على شاكلته (ص، ۷۰)

* يانار كونی بردا وسلاما على ابراهيم (ص، ۸۲)

* اوليك كتب في قلوبهم الايمان (ص، ۸۲)

* ادخلو مساكنكم (ص ۱۰۳)

* رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله (ص، ۱۱۲)

مخ المعانی با همه این نکات ظریف ادبی و آمیختگی شعر سبک نگارش سعدی شیرازی (۱۲۹۱ م / ۱۲۹۱ هـ / ۱۲۱۰ م / ۱۳۰۶ هـ) تصویری را ترسیم می کند. در نثر مخ المعانی آمیزش بیت ها به دست می آید.

حسن سبزی می گوید:

این کتاب مخ المعانی از دل پاك عاشقان وسینه صاف عارفان دریوزه می کند (ص، ۱۱۱)

حقیقتِ حرفِ عینِ عشق

نکته ای که در وصف عین عشق به دست می آید، وصف معانی مختلف عین است. یکی از معانی "عین" "چشم" است. به گفته حسن سبزی، عشق و چشم باهم سازگارند، سیاهی، سفیدی و روشنایی لازمه چشم است، در حالی که سه صفت عشق فقر، غم و حضوری است. همان طور که سیاهی چشم بدون سفیدی و روشنایی فایده ای ندارد، فقر بدون عشق ننگ دنیا و آخرت است.

"عین" عشق که به معنای چشم نیز می باشد، دانه عشق سرچشم است. نعمت یا بلا با چشم دیده می شود. همین طور عین به معنای "چشمه ای" است که مزارع دل های غمگین را سیراب می کند.

هر پاک رو که قدم بر جاده محبت نهند و خواهد که بر سجاد و داد نماز اتحاد تمام کند، اول او را غسل در چشمه عشق باید کرد و از جوی خون وضو باید ساخت. (ص ۶۰- ۴۱) مطالبی را با مثال هایی توضیح می دهد که در آنها جای تردید نیست. یکی از معانی عین "خورشید" است یعنی عشق آفتابی است که با وجود حرارت عاشق رودخانه است. چیزی که در آفتاب نور است آن در رودخانه سوز است.

نزد حسن سجزی جایگاه عاشق

به گفته حسن سجزی عاشق باید سنگدل باشد. همچنان زر از هرتابی و هرکای سرخ رو بیرون آید. عاشق صادق نیز باید در زخم وسوسه و آتش گناه سراپا زر شود. رخم آن زخم است که تیغ عشق گذارد و دردی آن دردی است که دل عاشق دارد. (ص ۹۲) در بیان عشق و عقل، عشق را معتبر قرار می دهند.

حکم معتبر حکم عشق است، هرچه عشق گوید در او چون و چرا نباید رفت. (ص ۸۷) زیرا عقل آنچه را که نادرست می بیند رد می کند، عشق بر خلاف عقل همه اعمال و حرکات معشوق را می بیند، چه نادرست باشد و چه در نظر عاشق واقعی زیبا تر جلوه کند. (ص ۸۷) وقتی نفس و عقل و فطرت از بین رفت، زیبایی عشق "شین" که در وسط وجود دارد، سفر خود را آغاز می کند. در شان شین گفت گو می شود

همان طور که سین دندان ها دارد، شین عشق هم دندان ها است که ضرب المثل

معروف است.

می گویند: فلانی دندان در شکم دارد.

حسن سجزی بر خلاف آن می گویند:

عشق آن است که دندان فروبرد در دلی واین دل مسکین چه کند. دندان ها که دردل عاشق است. (ص، ۹۰)

در داستان عاشقانه یوسف وزلیخا را بسیار زیبا توصیف می کند و می نویسد، زلیخا داستان غم انگیز خود را این گونه بیان می کند.

خار خارشین شغف جگر مرا پاره پاره کرد(ص، ۹۲)

یوسف به خار عشق گل مراد مرا چون گل بدرید (ص، ۹۲)

راز های زیادی در زیبایی عشق نهفته است. ائمه شرع دست دزد را بریدن دستور می دهند. اما قانون عشق جدا از احکام فقهی است. دل کسی دزدیده باشد، تقصیر به گردن دیگری می افتد.

اگر تاج خواهد تاج عشق بر سرخودنهد، بر راه اخلاص رفتن لازم است. آن درخت طاعت اگر آب اخلاص نیافته باشد، به باد خذلان بینی که خشک ترگشته (ص، ۹۸)

قاف حرف سوم عشق

محقق واعظ (مذکر محقق که اول سرنفس که به چهار پایه طبایع قایم است) بشکند و چون از آن ماده از پستی لذات نفسانی برداشته شود و ذوق وحدت در آن پدید آید به اوج قاف عشق می رسد.

در قاف نشانه ای پنهان وجود دارد که ملک و فلك با آن آشنا نمی شوند. در بیان اسرار ورموز عاشق و معشوق است. (ص، ۱۰۱) قاف که در قرآن کریم وجود دارد. ق والقرآن کریم، قسم به قاف قدرت است یا قسم به کوه قاف واین اسم جبلی است که عالم را

محیط شده است. چنان که کوه قاف را به احاطه کل آفاق حکم می کند. همین طور قاف عشق نیز چون کوه قاف همه جهان را در حیطه حکم خود آورده است. (ص، ۱۰۰-۱۰۲)

عشق برسه لشکر عین، شین وقاف استوار است. هر دسته اول عین، عیار است که به قلب حمله می کند. هیچ نام و نشانه از آن قلب و قالب نمی گذارد.

شین رهبر راه صیانت است، وحشت او چنان قدرت مند است که حتی شیر های وحشت ناک نیز صد جور روباه بازی می کنند.

پشت لشکر قاف چنان قهری است که دل ها را می شکند و زخم می زند و آبادی ها را ویران می کند.

دیده عاشق به دیدار دوست روشن باشد و سینه محب به رواج ذکر محبوب گلشن (ص، ۱۰۴) عشق پرشور امیر حسن سجزی که در رک و پی ادامه داشت. وسیله بیانی غیر از شعر یافت و در ۶۱ سالگی در قالب رساله کوچکی عین، شین، قاف تدوین شد. در سال (۷۱۲هـ) پنج سال بعد از بیعت طریقت "مخ المعانی" نام داد و به خدمت پیر و مرشدش بُرد. امیر حسن سجزی در زمان تألیف "مخ المعانی" تحت تأثیر نامه های عین القضاة همدانی قرار گرفت. بنا بر این می توان گفت، نامه های عین القضاة بر این رساله تأثیر دارد. سبک سوم سعدی هند است. بر اساس این رساله صاحب سبک می نامند. نسخه ای از آن در کتابخانه سرشاه سلیمان، دانشگاه مسلم، علی گره، هند وجود دارد. نظام شناس معروف خلیق احمد نظامی (۱۹۲۵، ۱۹۹۷م) آن را در آنجا دید، درباره آن مقاله معرفی منتشر کرد. (ص، ۹) پس از ایشان مرحوم دکتر شکیل احمد صدیقی (۱۹۶۰، ۲۰۱۴م) به توسط ایم. حبیب خان (۱۸۹۵، ۱۹۷۶م) در کتاب خود "امیر حسن سجزی دهلوی حیات و ادبی

خدمات“ استفاده کرد و تذکره به تفصیل بیان کرده است. دکتر اسلم فرخی (۱۹۲۳، ۲۰۱۶م) هم در “دبستان نظام” از مخ المعانی بهره برده اند. پروفسور ایس.ایم لطیف الله که در تراجم ادبی صوفیه کار شناس است، از طریق دکتر اسلم فرخی بانسخه خطی آن آشنا شد و از طریق سیدظل الرحمن (زاده ۱۹۴۰م) نقل نسخه ای دریافت کرد. مترجمی بهتر از او برای این رساله وجود نداشت. او ترجمه این رساله کرد. وی نظام شناس معروف هم هست و تراجم ملفوظات شاه مینا و کلمات الصادقین و مطلوب الطالبین و جز آن نیز کرده است. به گفته پروفسور شکیل احمد سبک ترجمانی ایس.ایم لطیف الله تاثیر حضرت “سلطان جی” قرار داده است. می گویند که اگر ذکر این رساله در فوائد الفوائد وجود نداشت، این رساله گمنام می ماند- (ص ۱۱-۱۲)

مخ المعانی نه فقط تفسیر نکات عشق است، بلکه مفسر شوریدگی عاشقان هم است. این مجله سرمایه ای بزرگ در ادبیات صوفیه است. نمونه ای سبک ساده و روان و یکسان، حامل سوز و گداز نثر مسجع مرسل است. حسن سجری درباره عاشق و مرید گفته است که شرط ارادت برعاشق و مرید واجب است. زیرا که نشانه های معرفت از اهل معرفت به دست می آیند. نزد حسن سجری مسافرت بدون مرشد همین طور است که شخصی برای زیارت کعبه می رود و و در بازگشت همان روشن رفیع قبلی زندگی کند. بدون این که تغییری در آن ایجاد شود.

چشمه آب حیات را با چشمه عشق مقایسه می کند چیزی که در سرشت وجود دارد، تغیر نمی کند. خارگل نتوان شد. زهراب آب شیرین نتوان شد. بادلیل گفته های خود را توضیح می دهد. با توضیح عین، شین، قاف در پایان این کتاب به عجز و انکسار مناجات می

نماید. نذرانه عقیدت پیرومرشد خود خواجه نظام الدین اولیا (۷۲۵,۶۳۶هـ) می کند و امید وارند که امت اسلامی از محاسن این کتاب یادکنند واهمیت وفایده آن را بد اند. این رساله زیبا با قلم عبدالغنی المسکین احمد دهلوی غفرله (۱۲۹۶,۱۲۳۴هـ) روز شنبه ۲۲ شعبان المعظم (۱۲۹۷هـ) به پایان رسد.^{۲)}

بررسی مشترکات مخ المعانی با منابع دیگر

(۱) تصوف و تصورات صوفیه (۲۰۰۸م)

پروفسور دکتر ظهور احمد صدیقی (۱۳۹۸/۱۹۳۳م/۱۳۲۱هـ) در تصور عشق و تصوف بیان کرده است که شیخ ابن عربی (۱۱۶۵,۱۲۴۰م) گفته بود کسی که تعریف عشق کند، از عشق نا بلد است وآن که از جام عشق جرعه ای نکشید، آن هم از عشق نا بلد است وآن که گفت از جام عشق سیراب شده ام، آن هم ناشناس. عشق شرابی است که هیچ کس را سیراب نمی کند. عشق اگر به فلك بخشد، پاره پاره می شود. اگر اختران را نوازد، سیاه می شوند و بر کوهسار نهند، جا به جا می شوند. نزد صوفیان عشق حقیقت بزرگ زندگی است، بلکه عشق زندگی است. دراین کتاب دیدگاه های دیگران بیان شده اند. آیات و عبارات عربی هم دیده می شوند. نوع عشق بیان کرده است. تصورات عقل و عشق علامه محمد اقبال (۱۹۳۸م/۱۳۱۷هـ. ۱۸۷۷م/ ۱۲۵۶هـ) و خلاصه آن و عشق مولانا هم بیان کرده است. زبان و بیان سهل و روان است. بیت های صوفیان دراین موضوع هم نقل کرده است. (۱)

(۲) دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره (۱۳۷۶ش)

حسین برزگرکشتلی در دانشنامه تعریفات عشق را بیان می کند. واژه عشق که به زبان انگلیسی (Love-Passion) رادر مقابل واژگان فارسی می آورد. درمخ المعانی نکات

عشق بیان شده، در تضاد آن حسین برزگرکشتلی گوید: عشق را عین، شین، قاف مدان بلکه سرپست در سه حرف نهان پوشیده است. درنظر صوفیان عشق مجازی و حقیقی چیست؟ مطرح می کند و به وسیلهٔ بیت های شاعران درباره عشق بیان می نماید. همان طور که ما اول ذکر کردیم که بزرگروازگان فارسی وانگلیسی عشق را بیان می کند. این طور وازگان که برای عشق در قرآن آمده اند، آن را بیان می کند. زیرا که واژه عشق در قرآن وجود ندارد. در قرآن کلمهٔ ”حُب“ و مشتقات آن آمده است. آیات قرآنی درباره عشق باتوضیح فارسی بیان می کند. درباره عشق عرفانی و درباره عشق انسانی آثار زیادی نوشته شده را بیان می کند. عشق صوفیانه محبت آدم با خداوند تعالی به زبان ساده مطرح می کند. به حسین بن منصور حلاج (۹۲۲ م. ۸۵۸ م) و طریق وحدت الوجود والشهود هم اشاره می کند. انواع عشق کسبی و وهبی بیان می کند. در ادب فارسی و عربی در آغاز عشق همان معنی که اصل خود یعنی محبت يك انسان به انسان دیگر داشته است. مانند حسن سجزی عاشق و معشوقان بزرگ و مشنوی های نظامی گنجوی (۱۲۰۹ م / ۵۸۸ هـ. ۱۱۴۱/۱۱۳۰ م) بیان کرده، زیبایی غزلیات حافظ شیرازی (۱۳۹۰ م / ۷۹۲ هـ. ۱۳۱۵ م / ۷۲۶ هـ) و سعدی شیرازی (۱۲۹۱ م / ۶۹۱ هـ. ۱۲۱۰ م / ۶۰۶ هـ) و مولانا جلال الدین رومی (۱۲۷۳ م / ۶۷۲ هـ. ۱۲۰۷ م / ۶۰۴ هـ) در موضوعات عرفانی و عاشقانه صحنه می آورد.

در بین مخ المعانی و مقاله برزگرکشتلی مماثلت وجود دارد. اما متفاوت هم دیده می شود. ابیات شاعران هر دو بیان می کنند. برزگره فقط عشق حقیقی و مجازی را هم توضیح می دهد و مانند حسن سجزی قصه های عاشقانه را ذکر می کند. اندام عاشق و معشوق در ادب فارسی چگونه مطرح شده و چه معنویت دارد، آن را هم بیان می نماید. (۲)

(۳) رساله السواغ فی العشق (۱۳۵۹ش)

نزد شیخ احمد امام غزالی (۱۱۲۳م / ۵۲۰ق. ۱۰۶۱م / ۶۵۲ق) حدیث عشق در کلمات وحروف غی گنجد. زیرا که معانی اش دخیرگان اند. عشق راجز به بصیرت باطن نتوان دید. وقتی که عاشق خانه خالی یابد و آینه صافی باشد. اگر چشم هایش اشراف روح خواهند، وی خود را دریگر معشوق نامش یا صفی بیند که خود در جای وی باشد و او را در جای خود توان دید یعنی هرچه نگه کند، او را بیند، یکی در دوی نهادن قریب تراز این انا من اهوی و من اهوی انا.

وقتی روح عشق در زمین بود تا شجره عشق ازو بروید. در معانی احوال و اسرار عشق، بد ان نحو که مورد توجه و تأمل صوفیان است. در نظر شیخ احمد غزالی عشق متوجه کمال است، از هر نوع که باشد و چون کمال مطلق خاص ذات حق است. بنا بر این اواز همه چیز به معشوقیت استوار تر است. اسلوب نگارش غزالی در مقایسه با مخ المعانی خیلی سنگین اما دلنشین و عمیق و شیرین است. در صورت فصول و با وسیله آیات که بیشتر در موضوع عشق اند. گاه گاهی شعر عربی را هم به کار می برد، از آیات عربی و واژگان عربی استفاده کرد به اشعار مختلف از غزل و رباعی پارسی و تازی، استنباد کرده و تمثیلات کوتاه هریک از اسرار و معانی را در فصلی مورد بحث قرار داده است. این رساله لطیف و پاکیزه در جهان ادب عرفانی خیلی اهمیت دارد. فراق به تحقیق عشق دوی است. وصال به تحقیق عشق یکی است. غزالی نکات عشق را بیان نکرده، فقط در زبان فصیح و روشن توضیح عشق داده و این توضیح در فهم هر کس غی گنجد. یک نکته مهم آن است که حسن سجری (۱۳۳۷م / ۷۳۸ه. ۱۲۵۴م / ۶۵۲ه) در مخ المعانی ذکر شیخ احمد غزالی ۱۱۲۳م /

۵۲۰ق. ۱۰۶۱م/ ۶۵۲ق) در تفسیر عشق بیان نموده است ومانند غزالی آغاز کتاب باثنای خداوند بزرگ و برتر و نعت خواجه سید المرسلین کرده است. اوصاف عشق عاشق و معشوق، حسن و جمال ملامت به عشق، ترکیب زیبایی، حکایات بیان کرده است. در هرفصل عشق را به موضوع نو به صحنه می آورد و زبانش فصیح و روشن است. (۳)

(۴) رساله در عشق (۱۳۵۹ش)

سیف الدین باخزری (۱۲۶۱م/ ۶۵۹ق. ۱۱۹۰م/ ۵۸۶ق) رساله در عشق به زبان عربی ثنای خداوند متعال و ثنای خواجه آغاز می شود. ابیات و رباعیات و آیات و واژگان عربی در این رساله فراوان دیده می شوند. معلوم می شود که نویسنده فقط زبان فارسی تفسیر عشق بیان نکرده به زبان عربی هم شغف دارد. بیان حکایات و رویدادها و ذکر شاهان گاهی جملات کوتاه و گاهی بزرگ به کار می برد. سبك نگارش به نسبت مخ المعانی کمی دشوار تر است، اما قابل فهم است. مانند مخ المعانی ذکر ابوسعید ابوالخیر (۱۰۴۹م/ ۴۴۰ه. ۳۵۷/۹۶۷ه) در این رساله هم آمده است. بحث صوفیانه در باره عشق و عشق مجازی رادر رویدادی که مولانا رضی الدین نیشابوری (۱۲۰۱م/ ۵۹۸ه. قرن ششم) در کتاب مکارم الاخلاق بیان کرده، نقل کرده است. (۴)

(۵) زبان تصوف (۱۳۷۰ش)

دکتر جواد برومند سعید (۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ه. ۱۹۲۲م/ ۱۳۰۱ه) نکته عشق، رمز عشق، اشارات عشق، لطیفه، دقیقه، معمای عشق، سخن عشق را بیگانه نمی آموختند، به شکل ابیات که مال دیگران است، بیان نموده و اشعار از دیوان های شاعران معروف از جمله اسیری لاهیچی، اصفهانی، بیدل دهلوی، جامی، سنائی، مولانا، همای تبریزی و مانند آن

نقل کرده و گاه گاهی يك كی درباره موضوع توضیح می دهد. این کتاب کاملاً متفاوت از مخ المعانی است. زبان و بیان هم مشکل است. (۵)

(۶) شروح سوانح (۱۳۷۲ش)

کنز الاسرار و رموز الاحرار تألیف عزالدین محمود کاشانی (درگذشته ۷۳۵ق) است. اثر منظوم که در آن مقالات شکل شعر مانند وصف العشق، الارتباط بین عشق والروح، وحدة العشق، قَدَم العشق وحدوثة، توضیح یحیهم و یحیونه، غنج المعشوق ودلاله، ادرئالهم من العشق به زبان فارسی که موضوع های آن به زبان عربی اند بیان شده اند. ویژگی های عشق، عاشق و معشوق در حکایات، ابیات در زبان و لحن ساده و روان بیان نموده، اما گاه گاهی معانی اش در فهم قاری نمی آید. شرح سوانح تألیف حسین ناگوری (درگذشته ۱۵۲۲م/ ۹۰۱هـ، که احمد مجاهد درباره آن می گوید که نزد وی عشق به اختیار عاشق نیست، به اختیار معشوق است. عاشق در محب محبوب است. در باب عشق حقیقی گفت که ذات مطلق برای عشق روح در اندام انداخت. اگر روح نیانداخت، خود با خود عشق محال باشد. کمال مردسالک در ظهورات، تجلی و ظهوری عشق، سرعشق، خاصیت عاشق، کرشمه حسن، دیده حسن خود را، قوت عشق در علم، ملامت در عاشق و معشوق و خلق، عشق نوعی از سکر، پیکر جان عاشق آید، جفای معشوق را در صورت فصول بیان کرده است. زبان و شیوه نگارش نویسنده ساده و دلنشین و جالب و پُر از فصاحت و بلاغت است. آیات و حدوث و واژگان عربی در هر فصل به دست می آیند. از جملات بزرگ استفاده نمی کند. این شرح، شرح عرفانی است و نکته خود هر فصل درباره عشق یافته می شود.

در شرح سوانح شرحی از قرن نهم درباره عشق گفته است. حدیث عشق در حروف و کلمات نمی گنجد. اگر روح به اصالت آمد، عشق صفت وی گردد. چون عاشق معشوق را ببیند، اضطرابی در وی پیداشود و خود را در وجد مضطرب کند، تا به حقیقت کارنشیند و حالا پخته نیست. چون تمام پخته شود، آن جا در التقا از خود غایب شود. زبان و بیان ساده و روان است. در صورت پرسش و پاسخ سخن اش بیان می کند و گاهی معنی آن هم می نمود. جملات کوتاه کم، بزرگ زیادی به نظر می آیند. شرح سوانح احمد غزالی (۱۱۲۳م/ ۵۲۰۴. ۱۰۶۱ / ۶۵۲ق) زیبای و به زبان ساده با فصاحت و بلاغت مطرح می کند. آیات و آیات عربی و فارسی در آن آورده است. می توانیم بگوییم تاحدودی شباهت هایی با مخ المعانی دارد. (۶)

(۷) عشق صوفیانه (۱۳۷۶ش)

جلال ستاری (۱۹۳۱، ۲۰۲۱م) درباره محبت گفته که محبت الهی با شفقت بر خلق در یک دل جمع شود و اگر کسی خواهد که یک وصف را اختیار کند وی محبت الهی را می گیرد و این طمانیت ایست که روح از نخوت و ناموس سبکبال شده، می یابد عارف روان شناسان بزرگ روح هستند.

مبادی عشق، محبت است و بعد از آن شوق و نهایت اش عشق است و آن استغراق محبت است. (۷)

شدت عشق حب، نامیده می شود، عشق محبتی است که از حد گذشته باشد مفرط با کمال محبت است. چنان که خداوند تعالی می کند، آن گاه بر بنده عاشق شود و بنده را گوید تو عاشق و محب مایی و معشوق و حبيب توایم... اگر خواهی واگر نه. (۸)

در باب عشق فرض راه در ضمن عشق حدیث قدسی معروف بیاید و توضیح فارسی آن می دهد.

در باب عشق آفرینش کائنات است عشق و روح با هم متحد و همدست. صفات عشق درآینه روح می تابد. روح بی عشق ناقص است. عشق مرغی است که از آشیانه ازل پردُجز بر شاخ ازل ننشیند. (۹)

اسرار عشق در حروف عشق مضمّر است عین و شین عشق بود و قاف اشارت به قلب است. (۱۰)

در باب محبت در عقل تصرف می کند، عشق گردد. توضیح ((یحبوبهم و یحبونه)) داده که خداوند بزرگ و برتر صاحب محبت است و نور محبت در دل محبان تجلی پیدا کرد. انوار محبت محبان از محبت حق پیدامی شود. محبت استوار به دانش است. (۱۱) کمنی که با خود را دوست ندارد، دیگری را دوست نمی تواند داشت.

وقتی که عشق پخته می شود ، معشوق را بر خود فضیلت می دهد و جان خود را ((جاروب در معشوق)) می کند. (۱۲)

جلال ستاری در عشق صوفیانه در شکل باب ها به ارائه و نظریات دیگران با زبان و لحن ساده به خواننده رسانده است، نه فقط توضیح عشق و ویژگی های آن بلکه نظریات و روان شناسی صوفیان در این ضمن روشن معرفت ایشان به زبان ساده با سلاست و روانی مطرح کرده است و عشق روزبهان بقلی شیرازی، شیخ شطاح رابعه شهید عشق الهی، عشق عذری و هم به تفصیل مطرح کرده است. این کتاب در موضوع عشق اهمیت ویژه ای دارد و با مخ المعانی شباهت های چشمگیری ندارد. (۱۳)

(۸) فرهنگ اشعار حافظ (۱۳۷۳ش)

دکتر احمد علی رجائی بخارایی (۱۹۷۸م/۱۳۵۷ش. ۱۹۱۶م/ ۱۲۹۵ش) در فرهنگ اشعار حافظ گفته است که محبت چون به کمال رسد ، عشق نام گیرد و عشق که به کمال رسد، به فنا در ذات معشوق و وحدت عشق و عاشق و معشوق منتهی می شود و وقتی صوفی بدین درجه می رسد، در دنیای دیگر می ماند یا دنیا دیگر درون خود ایجاد می کند. محبت صوفیانه توضیح داده می شود. در این ضمن نظرات دیگران هم بیان می کند. سبک نویسنده با مخ المعانی شباهت ندارد. درحالت عشق شخص ازهر چیز حتی از خود بیگانه ولی خبر می شود با وسیله ایات نکته خود به دیگران می رساند. همین طور که در مخ المعانی است. عشق را به نظر مشایخ و فیلسوفان و طایفه های مختلف بیان کرده، مسابقه میان عشق و محبت و عقل و عشق و در نثر بیت نموده، درجات عشق: ۱. مرحله تحقیق عاشق و معشوق ، ۲. اتحاد عاشق و معشوق، ۳. قلب عاشقی و معشوقی توضیح داده، گفتار مشایخ درباره محبت به زبان عربی با توضیح فارسی بیان نموده است. زبان و بیان نویسنده ساده و روان است. نه فقط نظریات خود بلکه گفته ها ، دیدگاه ها و ایات دیگران هم بیان کرده، واژگان عربی زیاد دیده نمی شوند. (۱۴)

بایزید بسطامی (۸۷۴م/۲۶۱ه. ۸۰۴م/ ۱۸۸ه) کمال درجه عارف، سوزش او بود در محبت. (۱۵)

حافظ شیرازی (۱۳۹۰م/ ۷۹۲ه. ۱۳۱۵م/ ۷۲۶ه) فرماید:

صنعت مکن که هرکه محبت نه راست باخت

عشقش به روی دل در معنی فراز کرد (۱۶)

(۹) لغت نامه دهخدا (۱۹۶۲م)

نزد علی اکبر دهخدا (۱۹۵۶م/۱۳۳۴ه. ۱۸۷۹م/۱۲۹۷ه) عشق از قسم جنون است که از دیدن صورت حسن پیدا می شود و گویند که آن مآخوذ از عشقه است، بر هر دلی که غلبه می کند، صاحبش را خشک و زرد کند. بیماری ای است که مردم آن را خود به خویشتن کشد و چون محکم شد، بیماری باشد باوسواس مانند مالیخولیا.

در اصطلاح تصوف و عرفان عشق به معبود حقیقی اساس و بنیاد هستی، بر عشق نهاده شده و جنب و جوشی که سراسر وجود را گرفته به همین مناسبت است. (فرهنگ فارسی معین) نزد اهل سلوك عشق آفرین پایه محبت است و فرط محبت را عشق گویند. آتشی است که در دل آدمی افروخته می شود و بر اثر افروختگی آن آنچه جز دوست است، سوخته گردد. نیز گفته اند که عشق دریایی است پراز درد و رنج. عشق جنونی الهی است که بنیان خود را ویران سازد، زیرا که عشق مآخوذ از عشقه و آن گیاهی است که بر تنه هر درختی که پیچد، آن را خشک سازد و خود به طراوت خویش باقی ماند. پس عشق بر هر تنی که برآید، جز محبوب او را خشک کند و محو گرداند و آن تن را ضعیف سازد و دل و روح را منور گرداند. علی اکبر دهخدا به زبان ساده عشق را توضیح می دهد دیگران درباره عشق بیان می کند که دیگر واژه نامه نویسان درباره عشق چه می گویند. همین طور که امیر حسن علا سنجری دهلوی (۱۳۳۷م/۷۳۸ه. ۱۲۵۴م/۶۵۲ه) در مخ المعانی با وسیله بیت درباره عشق و

محبت می کند. علامه دهخدا هم این طور بیان می کند. اما در مخ المعانی آیات عربی زیاد به کار برده است. در لغت نامه دهخدا گاه گاهی از آیات عربی استفاده می کند و پنج درجه را که زمانی به صورت عاشق و معشوق وارد می شوند، توضیح می دهد.

۱. فقدان دل، ۲. تاسف (عاشق در این مقام بی معشوق خویش هردم از حیات متاسف بو، ۳. وجد ۴. بی صبری ۵. صبايت (عاشق در این مقام مدهوش بود و از غلبه عشق بی هوش)
- عشق را رکن طریقت هم می گوید. نزد عرفا وجود افلاک به وسیله عشق است.
- در باره عشق فلسفه دانشوران را بیان می کند عشق را به سه قسمت منقسم می کند.
۱. عشق اصغر ۲. عشق اوسط ۳. عشق اکبر

بابت های دیگران عشق را توضیح می دهد و يك قصه عاشقانه مانند امیر حسن سجزی لیلی و مجنون را هم توضیح می دهد. عشق را در هر دو صورت حقیقی و مجازی در دیدگاه خود و اهل سلوك بیان می نماید. نویسنده مخ المعانی فقط نکات عشق را بیان می کند، اما علی اکبر درجات و ارکان و قسمت های عشق پیش نهاده است. نه فقط عشق بلکه وازگانی را که با عشق پیوند دارد، هم توضیح می دهد. می توان بگویم که میان مخ المعانی و لغت نامه دهخدا در موضوع عشق مماثلت جزئی دیده می شود. (۱۷)

(۱۰) مینا گر عشق (۲۰۰۸م)

کریم زمانی (زاده ۱۹۵۱م / ۱۳۳۰ه) فرهنگ موضوعی مثنوی معنوی مولانا (۱۲۷۳/۶۷۲ه. ۱۲۰۷م / ۶۰۴ه) است و بیان می کند که عشق از مسایل بنیادین عرفان و تصوف اسلامی است. شیوه نگارش آن به نسبت مخ المعانی دشوار است، اما قابل فهم است. نزد دوی تعریف عشق میسر نیست. مصدر عشق (چسبیدن و التصاق) است و مانند

علی اکبر دهخدا (۱۲۹۷، ۱۳۳۴م) عشق را از (لبلاب) عشقه مأخوذ می گوید. در ماهیت عشق اختلاف حکیمان، فیلسوفان و طبیبان و روان شناسان بیان می کند. عشق کلید رمز احوال و افکار و آثار مولانا است. مثنوی او با عشق آغاز می شود و به عشق پایان می یابد. (فکر عاشقان بی سروپا) همین عشق انسانی را بیان کرده که روح انسانی وصال با خداوند متعال می خواست و در هجر در حالت گریه و زاری است و این صورت زیبایی عشق است. اسلوب نگارش در عشق از نثر مسجع پاک است. جمله های کوتاهی وجود دارد، اما واژگان سنگین به کار می برد. مانند مخ المعانی در این هم پیوند نظم به دست می آید. عشق را در موضوعات مختلف با مثال های ابیات مطرح می کند. کریم زمانی در شرح مثنوی بیان کرده است که نزد مولوی عشق تعریف شدنی نیست. هر که عشق را تعریف کند. عشق را نشاخته است.

نمونه شعر:

هرچه گویم عشق را شرح و بیان
چون به عشق آیم ، خجل باشم از آن
گرچه تفسیر زبان روشن گر است
لیک ، عشق بی زبان ، روشن تر است
چون قلم اندر نوشتن می شتافت
چون به عشق آمد ، قلم بر خود شکافت
عقل، در شهر حش چو خردر گیل بحفت
شرح عشق و عاشقی هم ، عشق گفت (۱۸)

از نظر مولوی عشق حقیقی و مجازی عطیه خداوندی به موجودات است. تنها عشق ارزش صیدشدن دارد. وصف حضرت حق تعالی، سبب خلقت جهان، گردش افلاک به واسطهٔ عشق، حلال معمای هستی، جهاد را زنده کننده، قهار، حیات بخش، عروج دهنده، اتحاد مخلوق باخالق، محو کننده معشوق های زوال پذیر، کشف اسرار، صورت ساز، برتر کفر و ایمان سختی هارا به آسانی ها می کند، قدرت تبدیل دارد، در راه عشق صبر درمان کننده جسم و روح، زدایندهٔ اضطراب و هم سوز، بُرنده قیل و قال، بیماری، بی نیازار دلیل آموختی، سلوک عابدانه و عاشقانه دارد، شیوه عشاق فروتنی، عشق حقیقی جاودانه، پیرو رهبر، عشق بلا جوست. اسلوب مولوی در موضوع عشق از دیگران جدا است. عشق وی عشق عرفانی و حقیقی است. اسلوب مینا گر عشق از مخ المعانی خیلی مختلف است. نویسنده سخن خود را در صورت موضوع های عشق با وسیلهٔ ابیات مولوی به خواننده رسانده است. زیرا که نزد مولوی معنای عشق دریک واژه یادریک بیت نمی گنجد. اما توضیح و معنای بسیار درباره عشق در صورت ابیات به ما رسانده است. در مینا گر عشق نظر مولوی دربارهٔ عشق تنها ازدید گاه او در مثنوی مورد بحث قرار داده شده است. در مخ المعانی به صورت نثر نکات عشق توضیح داده می شود و در مینا گر عشق کریم زمانی موضوعات عشق را در ابیات مولوی جستجو کرده است. (۱۹)

(۱۱) منطق عشق عرفانی (۱۳۶۶ ش)

علی قلی بیانی (۲۰۰۹م/ ۱۳۸۸ هـ. ۱۹۱۲م / ۱۲۹۱ هـ) و عرفان بیان کرده است. عشق عرفانی غیر از خود عرفان است. مانند هر عشق نوعی هیجان روحی است. کسی که سیر راه عرفانی نکرده باشد، نمی تواند درباره عشق عرفانی حرف بزند. در عشق عرفانی حالت

صوفی فنا می شود. اما طلب وی فناى شود و فنا از لوازمات محبت است. خود آگاهی شعور ایشان مانند روشنی ستاره در مقابل آفتاب می شود. زبان نویسندگان در توضیح این نظریه نه ساده و نه سخت و دشوار بلکه معتدل به نظر می رسد. بابت های دیگران که درباره عشق عرفانی سروده شده اند. دیدگاه خود درباره منطق عشق روشن می کند. در منطق عشق عرفانی عشق حقیقی اما در مخ المعانی حقیقی و مجازی هر دو بیان نموده است. در این بحث عرفان فرق عرفان و میستی سیم، لحن قول مشابه بزرگان عرفان و جستجوی تعریفی از عرفان به مشرب عرفانی ایران، اروپا، مبادی عشق عرفانی، مقدمات عرفانی و نظری، فلسفه پهلوی، حکمت خسروانی، اندیشه عرفانی به یادسنائی غزنوی (۱۱۳۱/م / ۴۷۰ هـ. ۱۰۸۰ / ۵۳۵ هـ) و کارنامه بلخ بیان نموده، عشق عرفانی را فرزند عقل و قلب گفته است. نویسنده تلاطم فکری بسیار شدید داشته، مانند مخ المعانی در اواخر کتاب استاد خود را یاد کرده، منطق خود به عشق عرفانی در صورت فصل ها بیان کرده است. این کتاب مشتمل بر (۲) قسمت و در قسمت اولین سه فصل و در قسمت دومین چهار فصل در عشق عرفانی و فلسفه های آن به دست می آید. یعنی این کتاب از مخ المعانی مختلف است. زبان و بیان معتدل اما فکری دقیق است. جمله های بلند و آیات عربی کم دیده می شوند. فقط نکات عشق بیان نکرده، مشکلات عقل نظری که از سالها مطرح بوده است، حل کرده است. کلید گشایش به دست خواننده داده است (۲۰)

(۱۲) مقدمه ای بر مبانی عرفان تصوف (۱۳۷۲ ش)

مؤلف این کتاب دکتر ضیاء الدین سجادى (۱۹۹۶/م / ۱۳۷۵ هـ. ۱۹۲۰/م / ۱۲۹۹ هـ) در فصل هشتم عشق عرفانی را در ادبیات فارسی بیان کرده است. نظرات

شاعران وفیلسوفان وشاعران درباره عشق بیان کرده است. سهروردی شیخ اشراق، (۱۱۵۵م/ ۵۳۴هـ. ۱۱۹۱م/ ۵۸۷هـ) در رساله فی الحقیقة العشق یا مونس العشاق می گوید: محبت چون به غایت رسد آن را عشق خوانند. کتاب های معروف در موضوع عشق ذکر شده اندویک کی توضیح آن هم داده است وایات از آن هم نقل شده، تفاوت میان عشق حقیقی مجازی بیان شده است. می گوید: عین القضاة همدانی (۶۹۲هـ ق) در تمهیدات گفته: مصطفی (ص) گفت: هرکه عاشق شود وآنگاه عشق پنهان دارد ویرعشق بمیرد، شهید باشد. (۲۱)

عشق خالق وعشق معشوق را توضیح داده است. سه گونه عشق صغیر، کبیر، میانه مطرح کرده است. در بحث عقل وعشق می گوید: عشق عرفانی والهی همواره باعقل رو به رو است. با اوگفت گو ومنظره ویرابری می کندو در این مناظره ومبارزه همیشه عشق پیروز است و عقل راشکست می دهد ودر موضوع عقل وعشق نظریات شاعران در نظم ونثر بیان نموده، زبان ولحن نویسنده قابل فهم و آسان است اما از مخ المعانی دیگر است. نثر از عبارات عربی واژگان عربی پاك است. این کتاب مشتمل برهشت فصل که عشق عرفانی در ایات فارسی باب هشتم بیان شده است. عشق در عرفان، عقل وعشق، ادبیات عرفانی که در آن شعر عرفانی در اصناف شعر چطور وکی به وجود آمد، بیان شده اند. (۲۲)

منتهی این که مخ المعانی با این که متنی است نه چندان بلند وعالمانه، اما در موضوع خود بی نظیر است و چنان که حسن سجری به شرح و تعبیر حروف کلمه عشق پرداخته است، هیچ کس از مؤلفان کتاب های مورد تطبیق نپرداخته است.

(۱) دکتر ظهیر احمد صدیقی، پروفیسور، تصوف وتصورات، لاهور، ص ۴۱۵-۴۴۲

- (۲) برزگر، کشتلی حسین، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره ، به سرپرستی حسن انوشه، بخش دوم، ج: ۴ (ح، ع) ص ۹۸۴-۹۷۸
- (۳) غزالی، احمد، دو رساله در عشق، تهران، ۱۹۸۱ م
- (۴) باخزری، سیف الدین، دورساله عرفان در عشق، تهران، ۱۹۸۱ م.
- (۵) جواد برومند سعید، دکتر، زبان تصوف، چاپ اول، تهران، ص ۲۹۰، ۲۲۲
- (۶) مجاهد، احمد، شروح سوانح، چاپ اول، ص ۴۶۲، ۲۴۸
- (۷) بقلی شیرازی، روز بهان، رساله غلطات السالکین، به سعی دکتر جواد نور بخش، ۱۳۵۱ م، ص ۸۵، ۸۶
- (۸) تمهیدات، ص ۱۱۲
- (۹) عبدالله انصاری، خواجه، سخنان پیر هرات به کوشش محمد جواد شریعت، ۱۳۵۶ م، ص ۱۱۱
- (۱۰) سوانح هملوت ریتز نصرالله پور جوادی، ص ۳۸، ۳۹
- (۱۱) بقلی شیرازی، روزبهان، شرح شطحیات، به تصحیح و مقدمه فرانسوی از هنری کرین، ۱۳۶۶/۱۹۶۶، ص ۶۶۱-۶۶۵
- (۱۲) ولی کرمانی، شاه نعمت الله، شرح لمعات به سعی دکتر جواد نور بخش، ۱۳۵۶ م، ص ۳۶
- (۱۳) ستاری، جلال ، عشق صوفیانه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶ م.
- (۱۴) رجایی بخارایی علی احمد، فرهنگ اشعار حافظ، چاپ هفتم، ۱۳۷۳ ش
- (۱۵) تذکرة الالیه، ج ۱، ص ۱۳۶
- (۱۶) دیوان حافظ، ص ۹۱

(۱۷) دهخدا ، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، شماره مسلسل حرف (ع)، ۷۶، ص ۲۶۵،۶۶

(۱۸) مثنوی، دفتر اول، ص ۹

(۱۹) زمانی، کریم، میناگر عشق، ۱۳۹۲ش، ص ۶۳۲

(۲۰) بیانی ، علی قلی، منطق عشق عرفانی، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش

(۲۱) همدانی، عین القضاة، تمهیدات، تهران، ص ۹۶

(۲۲) ضیاء الدین سجادی، دکترسید، مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، چاپ سوم، تهران، ص ۲۸۵-۳۰۳

کتاب شناسی و منابع:

- باخزری، سیف الدین، ۱۹۸۱م، دورساله عرفان در عشق، تهران.
- برزگر، کشتلی حسین، ۱۳۷۶ش، دانش نامه ادب فارسی در شبه قاره به سرپرستی حسن انوشه، بخش دوم، ج: ۴ (ح، ع) تهران.
- بیانی، علی قلی، ۱۳۶۶ش منطق عشق عرفانی، چاپ دوم، چاپخانه حیدری، ایران.
- جواد برومند سعید، ۱۳۷۰ش دکتر زبان تصوف، چاپ اول، چاپ خانه نقش جهان، پازنگ پبلشرز، تهران.
- حسن علامجری، خواجه، ۲۰۰۰م، مخ المعانی (کتاب عشق)، کراچی.
- حسن علامجری، ۱۹۹۲م، فوائد الفوائد، دهلی.

- دهلوی، حسن سجزی، ۱۳۵۲ق دیوان به کوشش، مسعود علی محوی، حیدر آباد دکن.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۱ ش، لغت نامه دهخدا، شماره مسلسل ۷۶، شماره حروف (ع)، تهران.
- رای، آفتاب، ریاض العارفین، مرکز تحقیقات ایران و پاکستان، س.ن.
- رجایی بخارایی علی، احمد، ۱۳۷۳ش فرهنگ اشعار حافظ، چاپ هفتم، چاپخانه مهارت، تهران.
- زمانی، کریم، ۱۳۹۲ش، میناگر عشق، نشرنی، چاپ یازدهم.
- ستاری، جلال، ۱۳۷۶ش، عشق صوفیانه، چاپ اول، تهران.
- سندیلوی، احمد علی خان هاشمی، ۱۹۶۸م شیخ، مخزن الغرائب، ج: ۱، لاهور.
- صدیقی، ظهیر احمد، پروفیسور، ۲۰۰۸م، تصوف و تصورات، لاهور، سیتھی بکس لاهور، پاکستان.
- صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۴ش، تاریخ ادبیات فارسی در ایران، ج: ۳، فردوس، ایران.
- ضیاء الدین سجادى، دکتر سید، ۱۳۷۲ش مقدمه ای بر مباحث عرفان و تصوف، چاپ سوم، مهر (م)، تهران.
- غزالی، احمد، ۱۹۸۱م دو رساله در عشق، تهران.
- کرمانی، امیرخورد، سیرالاولیاء دهلی، س.ن.
- مجاهد، احمد، ۱۳۷۲ش، شروح سوانح، چاپ اول، تهران.
- نوائی، علی شیر، ۱۹۸۴م، مجالس النفایس، کتاب فردوسی منوچهری-